

## عکس/نخستین ایرانی در آکسفورد

۸ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۳۲

نخستین ایرانی که به دانشگاه آکسفورد راه یافت، ابوالقاسم خان ناصرالملک بود. او بعدها نایب السلطنه احمد شاه شد و دو نماینده از شکسپیر را نیز به فارسی شیوایی ترجمه کرد.

نخستین ایرانی که به دانشگاه آکسفورد راه یافت، ابوالقاسم خان ناصرالملک بود. او بعدها نایب السلطنه احمد شاه شد و دو نماینده از شکسپیر را نیز به فارسی شیوایی ترجمه کرد.



داستان شورانگیز بازرگان وندیکی " از معدود کتاب هایی است که فاصله زمانی میان پایان تهیه و چاپ آن بیش از ۹۰ سال است. این داستان را بعدا در شکل هایی دیگر خوانده ایم، چون این همان نمایشنامه "تاجر ونیزی" ویلیام شکسپیر، شاعر سده ۱۶ میلادی انگلیس است. اما نخستین ترجمه آن به زبان پارسی سال ۱۹۱۷ میلادی توسط ابوالقاسم خان ناصرالملک انجام شد و اخیرا به کوشش فریدون علاء، نوه مترجم به چاپ رسیده است.

قبلا درباره موجودیت این ترجمه اطلاع چندانی در دست نبود. برای نمونه، سیروس غنی، پژوهشگر ایرانی مقیم آمریکا، در کتاب تازه اش با نام "شکسپیر، ایران و شرق" که امسال منتشر شد و در آن نام همه آثار ترجمه شده شکسپیر به فارسی آمده است، می نویسد:



خانه ابوالقاسم خان در کوچه برلن تهران. معماری مارگف

"ابوالقاسم قراگوزلو، ملقب به ناصرالملک دوم (۱۸۶۳-۱۹۲۷) از خاندان ایلی معروفی در غرب ایران بود. پدربزرگ او محمدخان ناصرالملک رئیس قوم قراگوزلو بود و با دربار قاجار پیوند نزدیکی داشت. وی به عنوان وزیر خارجه، ناصرالدین شاه را در دومین سفرش به فرنگ همراهی کرد. او نوه اش را با خود برد و در کالج "بی لیول" آکسفورد نام نویس کرد (۱۸۸۲-۱۸۷۹). ابوالقاسم خان به ایران برگشت و سرانجام طی سال های ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۴ نایب السلطنه احمد شاه نوجوان شد. سپس او به اروپا رفت و تا آخرین سال عمرش آن جا ماند. ترجمه اتلوی او کار شایان تقدیر، اما عاری از نظم و شعر است. او شاید نمایشنامه "تاجر ونیزی" را هم برگردانده باشد، ولی هیچ نسخه ای از آن در دست نیست."

خوشبختانه، اکنون نسخه ای از "داستان شورانگیز بازرگان ونیدیکی" را در دست داریم که آن هم به مانند اتلوی ناصرالملک منشور است. اما نثر آن از زبان نوشتاری رایج در عهد قاجار بسیار متفاوت است و بیشتر به نثر امروزی می ماند، با بیانی شیوا و پارسی ای روشن. ناصرالملک در دیباچه کتابش درباره هنر ویلیام شکسپیر می نویسد:

"(او) برای مجسم ساختن حالات و طبع و خوی اشخاص، زشت و زیبا را چون سایه و روشن در پرده نقاشی با رنگ های هوای دل انسانی چنان به هم آمیخته و چندان استادی و هنر به کار برده که گویی روح در آنها دمیده است."

پاره ای از "مجلس دوم" این داستان گویای کیفیت بیان مترجم است:

"پرسیا: نریسا، راستی، تن خرد من از این جهان بزرگ فرسوده است.

نریسا: خانم، جا داشت هرگاه گرفتاری شما به فراوانی خوشبختی شما بود. مگر آنکه می بینیم دارنده از سیری ناخوش است، چنان که بی چیز از گرسنگی. پس نه کم سعادت است میانه جویی. زیادت زودتر به پیری کشاند، کفایت زندگانی را درازتر گرداند.

پرسیا: نصیحتی است پسندیده و به بیانی سنجیده.

نریسا: آنگاه پسندیده تر گردد که از آن پیروی شود."

در متن داستان، ندرتا می توان با اصطلاحاتی قدیمی به مانند "شیشه ساعت نما" (به معنای "ساعت شنی") روبرو آمد که آن هم با توضیحات مترجم همراه است: "در قدیم دو گوی بلورین میان تهی را با لوله ای باریک به هم پیوسته و در یکی از آنها ریگ نرم می ریختند و از جریان ریگ از این به آن، میزان وقت را می گرفتند."

از ابوالقاسم ناصرالملک تنها دو ترجمه از آثار ویلیام شکسپیر به جا مانده است و با وجود قدرت آشکارش در نویسندگی ظاهراً چیز دیگری ننوشته است.

فریدون علاء در پیشگفتار خود برای این کتاب چگونگی مبادرت ناصرالملک به ترجمه نمایشنامه های شکسپیر را این گونه توضیح می دهد:



خودرو ماکسول - سیمپلکس ابوالقاسم خان

"به گفته فرزند ایشان، حسین علی قراگوزلو، شبی در حضور جمعی از دوستان نام شکسپیر به میان آمد و یکی از حضار اظهار نمود که ترجمه منظومات و نقل معانی و عبارات آن شاعر شهیر به زبان فارسی امکان پذیر نمی باشد. ناصرالملک با این عقیده موافق

نبود و از راه آزمایش و تفنن در صدد برآمد چند سطر از یکی از آثار نویسنده را ترجمه نماید و به این منظور تصادفاً نمایشنامه اتللو انتخاب گردید. تفریح یک شب و ترجمه چند جمله ایشان را بر آن داشت که تمام داستان را به فارسی درآورد و به فاصله چند سال بر اثر اصرار دوستان به ترجمه "بازرگان ونیزی" پرداخت که اینک، در حدود چهل و پنج سال بعد از انتشار اول اتللو، همراه با متن انگلیسی و نقاشی های فاطمه علاء (دختر ناصرالملک) به چاپ می رسد."

گذشته از القاب و مقام های دولتی و ترجمه دو اثر شکسپیر به پارسی، نکته دیگری از زندگی نامه ابوالقاسم خان ناصرالملک او را از چهره های برجسته دوره قاجار کرده است: به نوشته فریدون علاء در پیشگفتار بازرگان وندیکی، ابوالقاسم خان نخستین ایرانی (و از نخستین مسلمانانی) بود که به دانشگاه آکسفورد راه یافت. چون تا قبل از آن، در انگلستان ملکه ویکتوریا قانونی حاکم بود که ورود نمایندگان ادیبانی غیر از مذهب رسمی انگلستان را منع می کرد و آن قانون تازه ملغی شده بود.

دفتر مطبوعاتی دانشگاه آکسفورد در پاسخ به پرسش درباره صحت و سقم این ادعا تایید کرد که در سال ۱۸۷۱ ورود غیر انگلیکان ها به دانشگاه آکسفورد ممکن شد و ظاهراً ناصرالملک نخستین دانشجوی ایرانی در آکسفورد بوده است. در فهرست موسوم به "دانشجویان هندی و غیره نام نویس شده" که دانشگاه آکسفورد در اختیار ما قرار داد، نام ابوالقاسم خان ناصرالملک در آغاز آمده است و در واقع، بنا به اسناد موجود، او نخستین دانشجوی ایرانی آکسفورد بوده و از جمله نخستین دانشجویان مسلمان آن.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۵۲۱۲/آکسفورد-ایرانی-نخستین-عکس>